

نوشته: پی‌یر گاکسوت عضو فرهنگستان فرانسه  
ترجمه: کاظم شرکت (شهرین) از مجله هیستوریا

## مولیر ، نابغه کمدی

(سیصد سال از زادروز مولیر میگذرد)

بامداد یکی از روزهای  
تتمیل سال ۱۸۲۰ روستائی  
سالخورده‌ای يك گاری  
چوبی که بوسیله الاغی  
کشیده میشد در مقابل  
کتابخانه بزرگ شهر  
پاریس نگاهداشت و بدربان  
اظهار نمود: «از راهی  
دور می‌آیم و هدیه ارزنده‌ای  
برای شما آورده‌ام و آن  
کاغذها و اسناد متعلق به  
مسیو مولیر است.»



فردای آن روز، وقتی رئیس کتابخانه سرکار خود حاضر شد، دربان آنچه دیده بود به

آگاهی اورسانید. این خبر هیجان زیادی ایجاد نمود! لیکن کجا میشد آن روستائی پیر را یافت؟ بدیهی است تنهامحلی که میتواند نشانی از او بدست دهد فوشرول، درحوالی گرین یون بود، زیرا ابیوه مولیر که دوباره ازدواج نموده بود در آنجا میزیست. افسوس که همه کاوشها بناکامی انجامید، و اثری از نوشتهها بدست نیامد، بطوریکه امروز دیگر هیچکس داستان گاری پراز نامها را باور نمی کند و همه آنرا افسانه ای می پندارند.

حقیقت امر اینست که، تقریباً هیچ چیز در باره شخصی که بنام مولیر آثار گرانبهائی بیادگار گذاشت نمیدانیم، درحالیکه نامه های زیادی از داسین در دست داریم.

ولی از مولیر، هیچ چیز، و شاید هم هیچ چیز. زیرا یکی دوامضاء در پای رسیده های مختلف از او در دست است. غیر از آن، حتی يك نامه يك دوست و یا یادداشت عاشقانه! و بالاتر از همه، حتی يك صفحه از نمایشنامه های او بخط خودش نیز باقی نیست.

در هر حال او تنها يك نویسنده نبود بلکه کارگردان نمایش نیز بود و خود نیز در صحنه ظاهر میشد. سفارش و مسائل دستور ساخت صحنه ها، لباسها، طرز اجرای بازیکنان، خانهای بازیگر، نوربانها، نوازندگان، و دیگر اشخاص و وسائلی که در گردش و حسن اجرای نمایش دخالت داشتند با خود او بود.

محققین درباره او آثار بی شماری ارائه داده اند. درباره پدر و مادرش، درباره بیماریهایش خانه هائیکه در آنها زیسته، مبل و اثاثیه منزلش، دارائیش، تمرین بازیهایش، موفقیتش، بر نامه هائیکه در حضور لوئی چهاردهم انجام داده، سخنرانی هائی که بمناسبت های مختلف نموده است، بازیکنان نمایشنامه هایش، شیوه موفقیت آمیز بازی خودش، ارزش ادبی نمایشنامه هایش، حتی در باره دوستان و دشمنانش مقالات و کتابهای بی شماری انتشار یافته است. اما در باره زندگی خصوصی اش، هیچ.

در سال ۱۶۸۲ خانم مولیر مجموعه آثار شوهرش را منتشر کرد. دو نفر از دوستانش بنامهای لاگرانژ و ویوو مقدمه ای بر این آثار نوشتند که در آغاز آن مجموعه چاپ گردید. وقتی در عمق کارهای مولیر دقیق شویم این نکته بارز جلب توجه خواهد نمود که در اکثر نمایشنامه ها نقش حساس را خود او بعهده داشته است و باطنز و ویژه ای درباره زندگی اجتماعی، درباره مقام زن در اجتماع، درباره تعلیم و تربیت، عشق، ازدواج، آزادی نسل جوان، طرز فکر پدر و مادران و فرزندان، و نظریه هائیکه بطور کلی از آن شخص او نبوده، بلکه از زندگی روزانه مردم آن عصر الهام گرفته مطالعه نموده و نمایش گذاشته است. شخصیت های نمایشنامه هایش، که با دقت هر چه تمامتر انتخاب و خلق شده اند، هر يك بتنهائی از خود سخن میگویند. این اشخاص فلسفه خاصی را دنبال نمی کنند، بلکه افکاری را بیان میدارند که اثر خود مولیر میباشد.

باید دانست که آثار مولیر در بیشتر موارد زیر نفوذ و تأثیر وقایع زندگی اجتماعی او بوجود آمده‌اند و درین باره وضع زندگی، سلامتی، صمیمیت ویژه او، شوخ طبعی، انگیزه‌های احساسی و عشقی، و اینکه کدامیک از آنها به خوشی و باناشادی پایان یافته‌اند، دخالت زیادی داشته است.

میتوان نتیجه گرفت که این نویسنده نابغه از دو استعداد مختلف به حد فوری برخوردار بوده است. یکی استعداد نمایشنامه نویسی و دیگری استعداد بازیگری. اگر کسی تعمق کند میتواند جریان زندگی مولیر را از متن نمایشنامه‌هایش به رشته تحریر آورد. گوئی این نمایشنامه نویس خاطرات روزانه خود را نگاشته است و بسی استادانه آنها را بصورت نمایش کمدی بمعرض تماشا گذارده است. در کمدی‌هایش وقایع مختلف زندگی خود نمائی میکند! اطمینانی که بیدارش داشت، گوشه‌هایی از عَشَم‌های زود گذر او، ازدواجش، حسادت‌ها، و شجاعت‌های او را میتوان آشکارا دید.

بوالومینویس، مولیر عاشق مادلین بزارت بود و همچنین مادموازل دو برای و مادموازل پارک رادوست داشت. در سن چهل سالگی با آرماند که در آن هنگام بیست سال بیشتر نداشت ازدواج نمود که ثمره آن ۳ فرزند بود که هیچکدام زنده نماندند. ازدواج آنها در تاریخ بیستم فوریه ۱۶۶۲ جشن گرفته شد.



عکسی است از خانه مولیر

نمایشنامه «مدرسه بانوان» را در دوران ماه‌عسل خود نوشت. درین نمایشنامه مولیر با فراست ویژه یک نمایشنامه نویس «وشکاف» گوئی پیش آمد زندگی زناشوئی خود را پیش بینی

نموده و آنرا درپیش دیده بینندگان قرار داده است. در دوره کلاسیک تازمان مولیر کسی حقیقت زندگی را آنطور عریان و بی پرده در معرض نمایش نگذاشته بود، و ازین رو دشمنانش آنرا چون نقطه ضعفی دستاویز قرار دادند و او را بیاد حمله گرفتند.

وی همچنان در برابر تمام حملات سکوت اختیار کرده بود، تا اینکه در پاسخ آنان باروشن بینی خاص خود نوشت: «وقت آن رسیده است که مردم را در طرز فکر و کار خود آگاه نمایم. من نمیخواهم هیچیک از انتقاداتی که بر علیه من و یا بنفع من شده است رد کنم و یا قبول نمایم. بگذارید آنچه ناشایسته است درباره نمایشنامهها و کارهای من بگویند. من کار خود را باصمیمیت هر چه تمامتر ارائه داده‌ام، نمایش من بقیافه من، حرکات من، گفته‌های من، آهنگ صدای من، و طرز ادای جملات و عبارات من بهنگام نمایشها در اختیار است، بگذارید انتقاد کنند. اگر اینکار آنها را خوشحال میسازد و یافایده‌ای برایشان در بردارد، من حرفی ندارم. همه اینکارها را برای سرگرمی و خوشحالی بینندگان انجام میدهم و به انتقاد دشمنان واقعی نمی‌نهم. هر چه میخواهند بگویند، ولی این را نگویند که من در کمدی‌هایم آنها را مورد تمسخر و استهزا قرار داده‌ام، زیرا این واقعیت ندارد.»

حقیقت امر این بود که مولیر دائماً در نمایشنامه‌هایش زندگی خصوصی را مجسم مینمود و در واقع «اقرار» میکرد که مولیر شخصیت‌های نمایشنامه‌های خود را از آنچه که زندگی با او ارائه میداد و در اختیارش میگذاشت بوجود می‌آورد.

مولیر در آغاز یکی از کمدی‌هایش مینویسد: «میدانیم که کمدی برای شادی آفرینی و خندانند تماشاگران است. درین مورد پیشنهاد میکنم. خواندن این نسخه را بکسانی توصیه نمائید که استعداد شاد شدن و خندیدن را داشته باشند.»

او استاد کمدی بود و استاد همه کسانی بود که برای يك گروه بازیگر ثابت نمایشنامه می‌نوشتند، و قتی سالن تئاتر «پتی بوربون» بطور غیر مترقبه‌ای خراب شد، مدت ۳ ماه مولیر بدون تئاتر بود تا اینکه امپراطور سالن «پاله رویال» را که بدستور «ریشلیو» ساخته شده بود تعمیر و در اختیار او گذاشته شد، در خلال این مدت دو گروه تئاتری رقیب تمام کوشش خود را صرف اینکار میکردند که نخبه بازیگران او را به گروه خود جلب نمایند.

هیچکدام او را ترك نکردند و بطوریکه «لاگرانژه» مینویسد تمام بخاطر خصوصیات اخلاقی او بوده که در کمال درستی، قدرت و کفایت و مدیریت با بازیگران و کارکنانش رفتار مینمود.

مولیر با وجود توانائی هنری در پاره‌ای اوقات که رونق تئاتر رو بکاهش میگذاشت بزحمت میافتاد، بطوریکه ۲ بار بخاطر عدم توانائی انجام تعهداتش و پرداخت قروض راهی زندان شد. با اینوجود از سر تا پا کم‌دین بود.

عاقبت پاریس را ترك كرد . نمایش‌های کوچکی که در دهات فرانسه ترتیب میداد ، نمونه‌های ضعیفی از نمایش‌های واقعی او بود که ، بروش ایتالیائی‌ها آنها را تنظیم مینمود و بسیاری از آنها گم شده‌است . آیا آنها را خود او مینوشت ؟ جای تردید است . شاید گروه او نمایش‌هایی کوچک اجرا مینمود و بطوریکه گفته شده نمایش‌ها در زیر خیمه باجرا گذاشته میشده است .

مولیر و بورساوالت هر دو از پیروان مکتب ایتالیائی هستند . خوب یابد ، روش بورساوالت مکتب ادبی است ، روش مولیر روش دراماتیک میباشد . میتوان گفت که طی دوازده سال مسافرت‌های خود مولیر کم‌دین ، اصول همیشگی و تغییر ناپذیر کمدی را با ویژگی‌هایش که عبارت از وضوح ، استحکام ، قابلیت ، انطاف ، آرامش ، حرکت ، طبیعی بودن ، وخام نمائی باشد بخوبی دریافته و با ممارست بفرمان خود درآورده بود .

اگر میتوانست با قدرت تمام و بدون ذره‌ای نارسائی نمایش‌های مختلفی را که از طرف لوئی چهاردهم بمناسبت جشن‌های مختلف دستور داده شده بود بفوریت و در عین کمال بنویسد و اجرا نماید برای آن بود که در گنجینه‌مغن خود طرح‌ها ، نقش‌ها ، داستانها ، موضوعات ، عبارات و جملات طنز آمیز ، شخصیت‌ها ، حرکات ، همگرایی ، بازیگری ، آهنگ و هم آهنگی را بصورت ذخیره داشت و بارها عکس العمل مردم را در قبال هر يك مورد بررسی و تحلیل قرار داده بود .

نخستین کمدی او در پنج پرده بنام « گنج » در سالهای ۱۶۵۳ تا ۱۶۵۵ در شهر لیون بنمایش گذاشته شد و گنجی از تجربه که سالهای بعد بکار آمدنصیب او ساخت .

تادم و اسپین مولیر يك کم‌دین باقی ماند . در میان ۹۵ نمایشنامه‌ایکه بین سالهای ۱۶۵۸ تا ۱۶۷۳ بنمایش گذاشت بطور قطع و یقین سی و يك نمایشنامه اثر خود او بود .

آنچه مسلم است او نابغه کمدی فرانسه بود و بطوریکه بوالوودر باره او مینویسد : « خارق العاده ترین مرد عصر خود بود . » و باز هم تکرار میکنیم که او نابغه‌ای بود که نبوغش در کف صحنه نمایش بمنصه ظهور پیوست .

لغت نامه بایل در تعریف او مینویسد : « مولیر . کم‌دین مشهور . »

شاید قرنها بگذرد تاج جهان نابغه‌ای بدین پایه و با چنین دید وسیع و انسانی پرورد . او خود را در میان مردم میبرد و با چشمان باز آنچه بنظر دیگران معمولی بود میگرفت و تازگی آنها و نکات حساس و دقیق آنها را در نمایشنامه‌های خود میبرواند و بمعرض تماشا میگذاشت او از راه تجربه و کار مداوم به پیشرفت خود ادامه میداد و پیوسته در راه شناسائی انسانیت گام می‌نهاد .